

بررسی تحلیلی عملکرد دولت پهلوی در سربازگیری و نظام وظیفه اجباری ایل بختیاری

(۱۳۰۴-۱۳۲۰ش/۱۹۲۵-۱۹۴۱م)

خدا بخش قربان پور^۱ / علی اکبر جعفری^۲

چکیده

حضور فعالانه ایلات و عشایر در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران، یکی از مهم ترین مسائل تاریخ ایران است. این نقش آفرینی آنها در دوره پهلوی و به ویژه سیاست های رضاشاه با مشکلاتی روبه رو شد که زیست ایلات و عشایر را به چالش کشید و آنها را در وضعیت ویژه ای قرار داد. دولت پهلوی در سه پروژه دولت سازی، ملت سازی، و مدرن سازی با ایلات و عشایر درگیر شد و در صدد شکل دادن به نوع خاصی از هویت ملی مطابق با الگوهای غربی برآمد. سربازگیری و خدمت نظام وظیفه اجباری، بخشی از تلاش های گسترده تر رضاشاه برای تمرکز قدرت و ترویج ناسیونالیسم بود. این سیاست با مقاومت اقشار مختلف جامعه از جمله ایل بختیاری که آن را نقض حقوق و در تعارض منافع خود می دانستند، مواجه شد. براین اساس، پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سؤال است که مشکلات و چالش های سربازی و نظام وظیفه اجباری در ایل بختیاری در دوره پهلوی چه بود و چه نتایجی در پی داشت؟ نتایج پژوهش نشان می دهد اجرای قانون نظام وظیفه اجباری در ایل بختیاری مشکلات مهم انسانی و فرهنگی، طبیعی و جغرافیایی و مدیریتی و حتی اعتباری و مالی داشته است. این مشکلات اگرچه اجرای این قانون را در ایل بختیاری کند و زمان بر نمود اما تا پایان دوره پادشاهی رضاشاه مورد تأکید حاکمیت بود. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و براساس منابع تاریخی، روزنامه ها و اسناد و مدارک آرشیوی به این موضوع می پردازد.

واژه های کلیدی: دوره پهلوی، سربازگیری، نظام وظیفه اجباری، ایل بختیاری.

۱. دانش آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

gorbanpour@gmail.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

a.jafari@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰ نوع مقاله: پژوهشی

Analytical Review of the Pahlavi Government's Performance in Conscription and Mandatory Military Service of the Bakhtiari Tribe (1925-1941)

khodaBakhsh Ghorbanpour^۱/ Ali Akbar Jafari^۲

Abstract

The active presence of tribes and nomads in Iran's political, social, and economic developments is one of the most significant issues in Iranian history. Their role during the Pahlavi era, particularly under Reza Shah's policies, faced challenges that disrupted the livelihood of tribes and nomads, placing them in a unique predicament. The Pahlavi government engaged with tribes in three major projects: state-building, nation-building, and modernization, aiming to shape a specific form of national identity based on Western models. Conscription and mandatory military service were part of Reza Shah's broader efforts to centralize power and promote nationalism. However, this policy faced resistance from various segments of society, including the Bakhtiari tribe, who viewed it as a violation of their rights and conflicting with their interests. Accordingly, this study seeks to answer the following question: "What were the challenges and consequences of conscription and mandatory military service in the Bakhtiari tribe during the Pahlavi era?" The findings indicate that the implementation of mandatory military service in the Bakhtiari tribe posed significant human and cultural, natural and geographical, as well as administrative and even financial challenges. Although these issues slowed down and prolonged the enforcement of the law among the Bakhtiari, the policy remained a priority for the government until the end of Reza Shah's reign. This research adopts a descriptive-analytical approach, relying on historical sources, newspapers, and archival documents.

1. PhD candidate in Iranian Islamic History, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran.

2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran (corresponding author)

Keywords: Pahlavi era, conscription, mandatory military service, Bakhtiari tribe.

۱. مقدمه

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش اگرچه ظاهراً کابینه سپهدار اعظم را برانداخت، اما مقدمه‌ای بود که تقریباً چهار سال بعد، اصل ماجرا یعنی پایان یافتن عمر سیاسی قاجارها را رقم زد. قرار گرفتن رضاخان در مناصب مهمی همچون فرماندهی کل قوا، وزارت جنگ و رئیس‌الوزاری، پیامدهای اساسی و مهمی داشت؛ رضاخان را به یک چهره سیاسی شاخص تبدیل نمود، انگلستان را به این نتیجه قطعی رساند که می‌تواند با کنار گذاشتن قاجاریه و تغییر سلطنت در ایران به آنچه می‌خواهد دست یابد، دست رضاخان را برای حاکمیت آمرانه باز گذاشت و زمینه اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های او در زمینه نظامی را فراهم نمود. توجه به ارتش و تغییر ساختار و ماهیت آن در سال‌های اولیه حضور رضاشاه در قدرت و سپس تداوم آنها در دوره پادشاهی‌اش، از مسائل مهم دو دهه اول عمر سیاسی خاندان پهلوی محسوب می‌شود. تغییر و تحول در ارتش به‌عنوان رکن مهمی در تحقق نظام حاکمیتی موردنظر او با اقدامات مهمی همچون افزایش بودجه و اعتبارات لازم برای بازسازی و تقویت ارتش، تأسیس ارتش نوین و قوای سه‌گانه‌اش، تصویب و اجرای قانون سربازگیری و نظام‌وظیفه اجباری همراه بود. در این میان و مشخصاً موضوع سربازگیری و نظام‌وظیفه اجباری، با قدرت‌یابی رضاخان پیوند خورده است.

تصویب قانون نظام‌وظیفه اجباری و خدمت سربازی درواقع اقدام اساسی و مهمی برای تحقق اهداف میان‌مدت و بلندمدت رضاشاه در راستای ارتقای ایران به یک کشور مدرن با مبانی ایدئولوژیک و هویت جدید محسوب می‌شود. بر همین اساس در دوران پادشاهی او این قانون با قوت و شدت زیادی موردتوجه بود و اجرا می‌شد. اجرای این قانون محدود و محصور به منطقه خاص و در گروه و جامعه خاصی انجام نشد و به‌عنوان یک قانون کشوری،

شامل همه مناطق و اقوام و گروه‌ها می‌شد. ایلات و قبایل مستقر در نواحی مختلف کشور نیز که نوعاً زندگی در زیست متفاوتی از شهرنشینان و روستانشینان داشتند مشمول این قانون قرار گرفتند. ایل بختیاری هم که به لحاظ عده و عده در شمار ایلات مهم و تأثیرگذار شناخته می‌شد، شامل این قانون شد.

موضوع سربازگیری و اعزام جوانان بختیاری به نظام‌وظیفه اجباری با رویکردها و چالش‌های متفاوتی در بین سران و افراد این ایل روبه‌رو شد. همچنین مشکلات و سختی‌های فراوانی که برای اجرای این سیاست در بین بختیاری‌ها وجود داشت، ضرورت انجام یک پژوهش مبتنی بر منابع تاریخی، خاطرات و اسناد و پژوهش‌های مرتبط با این موضوع را افزایش داده است. بر همین اساس، این پژوهش با تمرکز بر عملکرد دولت پهلوی اول در موضوع سربازگیری و نظام‌وظیفه اجباری در ایل بختیاری، به مشکلات و مسائل مربوط به اجرای آن نیز می‌پردازد. استفاده از اسناد مرتبط با اجرای قانون نظام‌وظیفه اجباری در ایل بختیاری که تاکنون مورد غفلت واقع شده بود. از ویژگی‌های مهم این پژوهش است. یافته‌های مهم پژوهش نشان می‌دهد اجرای قانون نظام‌وظیفه اجباری با موانع و مشکلات مهمی در ایل بختیاری روبه‌رو بوده که موجب شد تا هم با تأخیر و هم با کندی اجرا شود اما استمرار آن و اصرار حاکمیت بر اجرای آن تا پایان پادشاهی رضاشاه نشان می‌دهد که سران و بزرگان و افراد ایل بختیاری اصل اجرای این قانون را پذیرفته‌اند، اگرچه تلاش‌های متعددی برای رهایی و یا حتی فرار از آن داشته‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

موضوع این پژوهش یعنی سربازگیری و نظام‌وظیفه اجباری در ایل بختیاری در دوران پهلوی از سوی محققان و پژوهشگران، کمتر موردتوجه قرار گرفته است. به گونه‌ای که در پژوهش‌های مرتبط با موضوع نظام‌وظیفه اجباری، به‌صورت پراکنده به سربازگیری و

نظام‌وظیفه اجباری بین بختیاری‌ها پرداخته شده است. کرونین در کتاب «ارتش و حکومت پهلوی» (۱۳۷۷) اگرچه تمرکز بر تأسیس ارتش و فرازوفرواد آن دارد و نیز به‌رغم اینکه در دیگر تحقیقاتش در مورد بختیاری‌ها پژوهش‌های ارزشمندی انجام داده است، اما مشخصاً در موضوع سربازگیری و نظام‌وظیفه اجباری در ایل بختیاری متمرکز نشده است. سید بنکدار در مقاله «برقراری نظام سربازگیری در اصفهان دوره پهلوی اول» (۱۳۸۸)، تنها به بررسی جریان برقراری نظام سربازگیری و واکنش مردم اصفهان در این دوره می‌پردازد. نیازی و شالچی نیز در پژوهش خود «شکل‌گیری نظام‌وظیفه در ایران و طرح ملت‌سازی در دوره پهلوی اول» (۱۳۹۲)، نتایج این سیاست را تحلیل نموده و معتقدند هدف رضاشاه از این اقدام، انحصاری کردن قدرت و کوتاه کردن دست ایلات و عشایر بوده است. راجی و احمدی در پژوهش مشترک خود «مواضع فقها در قبال تصویب و اجرای قانون خدمت نظام اجباری (با تأکید بر مواضع شهید مدرس و حاج آقا نورالله اصفهانی)» (۱۲۹۴-۱۳۲۰ش) (۱۳۹۹) ادله مربوط به تصویب و اجرای قانون خدمت نظام اجباری را از دید فقها تحلیل نموده‌اند. نجفی و سادات بیدگلی نیز در مقاله «تبیین خدمت سربازی روحانیون در دوره پهلوی دوم» (۱۴۰۱)، وضعیت سربازی و قوانین خدمت وظیفه روحانیون در دوره پهلوی و عکس‌العمل روحانیت در مقابله با سربازی را بررسی و ارزیابی نموده‌اند. مجد در کتاب «رضاشاه و بریتانیا» (۱۴۰۲) که گزارش‌های مهمی از اقدامات رضاشاه براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا ارائه می‌نماید و در دو فصل به اقدامات رضاشاه در موضوع ایلات و ارتش پرداخته و بخش‌هایی از یک فصل دیگر کتابش را به برخوردهای رضاشاه با سران بختیاری اختصاص داده، هیچ‌گونه اشاره‌ای به مسائل مرتبط با عملکرد رضاشاه در مسئله نظام‌وظیفه اجباری در ایل بختیاری ندارد. ملک‌زاده در بخشی از کتاب خود «سربازگیری و خدمت نظام‌وظیفه اجباری در دوره رضاشاه» (۱۴۰۲) روند اجرای این قانون و تشکیل مجالس سربازگیری و دیگر امور مربوط به آن را تحلیل نموده است. در تمام این پژوهش‌ها، مسئله نظام‌وظیفه در سطح کلان و

کشوری موردتوجه قرار گرفته و مشخصاً بر ایل بختیاری تمرکز نشده است. عاقلی نیز در کتاب «رضاشاه و قشون متحدالشکل» (۱۴۰۳) به رغم اینکه تلاش نموده تا پژوهشی جامع و نو از اقدامات رضاشاه در تشکیل ارتش و داشتن قشونی ثابت و متحدالشکل ارائه نماید به همین دلیل به بحث قانون نظام وظیفه اجباری هم پرداخته است اما به صورت مستقل به اجرای این قانون در ایل بختیاری نپرداخته است.

۳. سیاست اسکان عشایر و چالش‌های دولت پهلوی با ایلات

علاوه بر شرایط نامساعد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، دولت انگلستان نقش اساسی و تعیین‌کننده در در کودتای ۱۲۹۹ داشت. انگلیسی‌ها برای حفظ منافع خود در ایران، مقابله با بلشویک‌ها و حفظ مستعمرات خود در خاورمیانه و هندوستان به این نتیجه رسیدند از یک حکومت متمرکز و وابسته به خود در ایران حمایت نموده و به قدرت نیروهای گریز از مرکز به خصوص ایلات و عشایر پایان دهند (کرونین، ۱۳۸۳: ۳۲۳-۳۲۰، واعظ شهرستانی، ۱۳۸۸: ۸۱-۸۰)، به همین دلیل رضاخان به عنوان آخرین و بهترین انتخاب، انگلیسی‌ها در ایران، در ماه‌های بعد از کودتا و به تدریج قدرت را به دست گرفت (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۷۶). رضاخان از ۱۳۰۰ش تا ۱۳۰۴ش اقداماتی در راستای تمرکز قدرت و ایجاد نظام مدرن انجام داد. کوشش‌های جدی‌تر و رسمی او برای رفع موانع تمرکز قدرت، بعد از خلع قاجاریه و اعلام سلطنت او آغاز شد. از مهم‌ترین این تلاش‌ها می‌توان به سرکوب و کنترل ایلات عشایر، ایجاد محدودیت‌های گسترده برای حضور روحانیون در امور اجتماعی و دولتی، سلب امتیازات حقوقی و اجتماعی اعیان و اشراف، ایجاد ارتش متمرکز و سراسری، توسعه نظام اداری، ایجاد نظام آموزشی جدید در کشور، تدوین نظام حقوقی و تشکیلات دادگستری، و افزایش دخالت دولت در عرصه عمومی اقتصاد و انحصارات دولتی اشاره کرد (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۱۵ و ۱۸۶؛ رحمانیان، ۱۳۹۱: ۷۶).

هم‌زمان با تأسیس دولت پهلوی، قریب به یک‌چهارم از جمعیت کشور را ایلات و عشایر کوچ‌رو تشکیل می‌داد. زندگی این گروه از دو نظر، با برنامه‌های نوسازی دولت پهلوی اول تعارض داشت: ۱. زندگی اقتصادی مبتنی بر دامداری ۲. ساختار اجتماعی و سیاسی عشایر که نقش مهمی در ساختار قدرت سیاسی به آنان بخشیده بود. پروژه‌ی تمرکز قدرت سیاسی و اجرای برنامه‌های مدرنیسم به‌صورت اجتناب‌ناپذیری با وضعیت زندگی و ساخت سیاسی و اجتماعی نظام‌های ایلی تعارض داشت. اولین مرحله اجرای این سیاست‌ها، سرکوب شورش‌های ایلی و رهبران شورشگر بود. بعد از موفقیت دولت پهلوی در این مرحله، اجرای مرحله دوم سیاست‌های دولت با تکیه بر پروژه نوسازی و تمرکز قدرت آغاز شد، سیاست تخته‌قاو و اسکان ایلات، خلع سلاح عشایر، مصادره اموال سران ایلات، اعدام و تبعید سران، انتقال اجباری عشایر به مناطق دیگر، تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی ایلات و عشایر و سیاست فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌زدایی جهت تغییر سبک زندگی در میان عشایر، در همین راستا انجام شد (رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۶۹: ۷۹). گفتنی است درک تفاوت بین اینکه ایلات و عشایر به‌صورت مسالمت‌آمیز یا غیرمسالمت‌آمیز تبعید شده‌اند، دشوار است؛ زیرا ایلات و عشایر آن را با میل و رغبت نپذیرفتند. درواقع، اخراج از محل زندگی و دور کردن آنها از زادگاهشان به‌قصد تنبیه، تبعید است. در اسکان، قصد تنبیه نیست و یکجانشینی با هدف جلوگیری از کوچ‌روی است. برای اسکان، به هر خانواده تسهیلاتی مانند یک گاو نر، سه خروار گندم و پانصد ریال وجه نقد داده می‌شد و عشایر به این کار تشویق می‌شدند؛ اما تبعید، جنبه تنبیه داشت و هدف آن سرکوب عشایر سرکش بود. نظامی‌ها در مکاتبات خود برای آنها از واژه تبعید استفاده می‌کردند (واعظ، ۱۳۸۸: ۳۴۱). دولت تلاش کرد با یکجانشین کردن ایلات و عشایر، زمینه را برای کنترل آنها فراهم نماید. تبعید و زندانی کردن بعضی از سران ایلات همچون سران ایل بیرانوند، بختیاری، بویراحمدی، قشقایی، بهاروند، ممسنی و کلهر و همچنین تبعید تمام افراد برخی ایلات به استان‌های دیگر در همین راستا

انجام شد (میر، ۱۳۷۷: ۲۴۸-۲۴۵). با انجام این اقدامات و تحقق این سیاست، نظام ایلی و عشایری در ایران به شدت آسیب دید و تضعیف شد به گونه‌ای که در مرز متلاشی شدن قرار گرفت.

پروژه نوسازی اجتماعی و اقتصادی که دولت قصد داشت با ایجاد یک سازمان اداری گسترده، رشد و گسترش شهرنشینی، به حاشیه راندن حیات ایلی، رشد ناسیونالیسم و توسعه خطوط جاده‌ای به آن دست یابد نیز با نظام اقتصادی و اجتماعی ایلات در تعارض قرار گرفت. از نظر دولت پهلوی به تحلیل بردن نظام ایلیاتی، اولین و نمادین‌ترین اقدام برای تفکیک ایران قدیم از ایران نوین بود که در دستور کار دولت قرار گرفت (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۹-۱۸۸).

۴. سربازگیری و نظام وظیفه عمومی در دوره رضاشاه

رضاخان هم قبل از پادشاهی و هم در دوره سلطنت خود تلاش نمود ساختار نظامی سنتی ایران را از اساس دگرگون کند (عاقلی، ۱۳۹۰: ۱۰). به همین منظور قانون خدمت اجباری سربازی و سپس خلع سلاح ایلات و عشایر و درنهایت، انحصار قوای نظامی در قشون متحدالشکل را اجرا نمود تا، تغییرات ساختاری خود را عملی سازد. دوره پهلوی اول، دوره نهادسازی شبه‌مدرن و مدرن‌سازی دولتی در ایران بود. این تحولات و اقدامات را روشنفکران پیرامون او، نظریه‌پردازی می‌کردند و نظامیان به پیش بردند (افشار یزدی، ۱۳۰۴: ۷۳-۷۴). در همان مجلس و همان ایامی که قاجارها برکنار و رضاخان به پادشاهی رسید، مجموعه‌ای از مصوبات در جهت نهادسازی نظامی، اقتصادی و سیاسی به‌وسیله نمایندگان صورت گرفت. تصویب قانون خدمت نظام اجباری، تصویب قانون سجل احوال، تصویب قانون مالیات اربابی و غیره از جمله این مصوبات بود. از این میان ارتش و نظام اجباری جهت سرکوب نیروهای گریز از مرکز به‌خصوص رؤسای ایلات و عشایر و تحکیم دولت نوپای پهلوی اول اهمیت

بسزایی داشت (قائم‌نیک، ۱۳۹۰: ۵). به گونه‌ای که امکان شکل‌گیری حکومت پهلوی اول بدون ارتش جدید، بعید به نظر می‌رسید. رضاشاه کوشید تغییرات موردنظر سیاسی و اجتماعی خود را با تکیه بر ارتش یکپارچه به پیش ببرد. کارکردهای این ارتش برای رضاشاه عبارت بود از:

۱. کمک در تحقق فرایند نهادسازی مدرن.
۲. کمک در برقراری نظام سیاسی یکپارچه و تمرکز و سرکوب کانون‌های قدرت مرکز‌گرایز به‌خصوص ایلات و عشایر.
۳. شکل‌دادن به هویت جدید ایرانی مبتنی بر ایده ملی‌گرایی و طرح ملت‌سازی (کرونین، ۱۳۷۷: ۹۲-۸۹).

رضاشاه به ارتش و نیروی نظامی به‌عنوان بخشی از طرح مدرنیزاسیون و توسعه ملت‌سازی حکومتی نگاه می‌کرد. نیروهای نظامی ارتش پهلوی در نبردهای خود در برابر شورش‌های داخلی و عشایری به حیل‌های سیاسی و اقتصادی مانند رشوه و باج‌دادن به سران قدرتمند عشایر وابسته بود. نمونه بارز این سیاست در شورش ایل بختیاری در سال ۱۳۰۸ش دیده می‌شود (طهماسبی و رستمی، ۱۳۹۰: ۳۱).

به گفته برخی از محققان، مهم‌ترین تغییری که در ارتش دوره پهلوی به وجود آمد و توانست در جهت توسعه ملی‌گرایی در ایران عمل کند، اجرای نظام سربازگیری بود. با اجرای این سازوکار برای اولین بار، دولت مرکزی در ایران به توده‌ها و مردم به چشم منابع قدرت نگاه می‌کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۳۳؛ پوربختیار، ۱۳۹۵: ۴۲).

یکی از تمهیدات مهم دولت پهلوی اول در راستای تمرکز و یکپارچگی کشور، نفی هویت‌های عشایری و ایلی بود. از نظر رضاشاه و امرای ارتش، داشتن سربازان پرشمار، به‌منزله قدرت نظامی بیشتر بود. در پرتو این قدرت، حاکمیت می‌توانست به خودمختاری نیروهای گریز از مرکز و گروه‌های ایلی و عشایری خاتمه دهد. اجرای قانون نظام‌وظیفه مانند بسیاری

از دیگر قوانین، با موانع و مقاومت‌های متعددی روبه‌رو شد، به گونه‌ای که یکی از علل شورش عشایر بختیاری در سال ۱۳۰۸ش مخالفت با قانون نظام وظیفه اجباری بود (طهماسبی و رستمی، ۱۳۹۰: ۳۱). اما دولت درباره خدمت وظیفه، قاطعیت داشت و تصمیم گرفت مقاومت‌ها را درهم بشکند. اگرچه دولت پهلوی اول در تحمیل این قانون بر شهرها، روستاها و برخی مناطق عشایری موفق بود، اما در مورد عشایر بختیاری ضرورت داشت تا هوشمندانه و با احتیاط بیشتر عمل شود لذا به تدریج این قانون را بین آنها اجرا کرد. در اواسط سال ۱۳۱۰ش اولین تلاش‌های جدی و نظام‌مند برای سربازگیری از میان عشایر بختیاری انجام گرفت، اگرچه از آن زمان به بعد نیز، کار کمیته‌های سربازگیری به کندی و سال‌به‌سال پیش می‌رفت. با این حال تا سال ۱۳۱۰ش سربازگیری از عشایر بختیاری کاملاً فراگیر نشده بود و هنوز گهگاه با مقاومت‌های مسلحانه پراکنده‌ای از سوی طوایف مختلف روبه‌رو می‌شد (نیازی و شالچی، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۹). پایان یافتن اعتراضات، قیام‌ها و شورش‌های عشایری به صورت کلی و طوایف بختیاری به صورت خاص، وضع تقریباً باثباتی را در کشور ایجاد کرد، این مسئله باعث شد تا نظام سربازگیری در میان عشایر و به‌ویژه ایل بختیاری به عنوان یک روش مستمر برای تأمین نیروی انسانی ارتش دولت پهلوی اول تثبیت شود. اگرچه قانون اجباری سربازگیری در ابتدای کار با واکنش شدید عشایر مواجه بود، اما به تدریج این مقاومت‌ها درهم شکسته شد و ایل بختیاری و رؤسای آن نیز به این نظام گردن نهاده و پذیرای این شیوه شدند (کرونین، ۱۳۸۳: ۷۷).

«دایره ارکان حرب قشون» اولین تشکیلاتی بود که در ساختار ارتش جدید رضاخانی و به منظور مدیریت نظام سربازگیری به وجود آمد (قائم مقامی، ۱۳۵۵: ۲۰) و در کوتاه‌زمانی با مصوبه مجلس، صورت قانونی پیدا نمود. اگرچه این قانون موقتی بود و مقرر شده بود تا قانون کامل‌تری وضع و جایگزین این قانون شود (ملک‌زاده، ۱۴۰۲: ۶۸). پس از فراز و فرودهایی، قانون سربازگیری از سال ۱۳۰۶ عملیاتی شد (ساکما: ۱۳۱۰/۷۴۵۶۲).

رضاشاه علاوه بر این، اقداماتی به منظور کنترل و مدیریت جامعه ایلی انجام داد. او سیاست‌های دیگری نیز با هدف تحقق پروژه دولت‌سازی، ملت‌سازی و مدرن‌سازی کشور در مورد ایلات و عشایر اعمال کرد. یکی از این سیاست‌ها، موضوع خدمت اجباری نظام‌وظیفه بود. نظام خدمت اجباری به عنوان یک دستور کار مهم، از برنامه‌های حیاتی دولت پهلوی و حامیان سیاسی او بود. در جریان تصویب این قانون در مجلس، حامیان دولت به تکاپو افتادند. از نظر آنان سربازخانه، مدرسه توانایی بود و افراد در آنجا توانا شدن را می‌آموختند (انتخابی، ۱۳۹۰: ۱۸۳). خدمت اجباری سربازی به عنوان ابزاری برای نوسازی ارتش و ارتقای وحدت ملی عمل کرد. دولت، خدمت سربازی را برای مردان اجباری نمود و هدف آن، ایجاد ارتشی منظم و حرفه‌ای و کاهش اتکا به نیروهای قبیله‌ای بود. خدمت نظام‌وظیفه اجباری به تمرکز قدرت و مدرن‌سازی ایران کمک می‌نمود. تقویت و تجهیز ارتش و اجرای قانون خدمت اجباری نظام در دوره پهلوی اول، زمینه و نیروی مناسب را برای ساماندهی ارتش در اختیار دولت قرار می‌داد. اولین اقدام اصلاحی و جدی رضاخان در ارتش، الزام نظام‌وظیفه بود. او چند ماه قبل از تغییر سلطنت، در مرداد ۱۳۰۴ ش/ ۱۹۲۵م لایحه خدمت اجباری نظام‌وظیفه را به تصویب مجلس رساند (ملک‌زاده، ۱۴۰۲: ۸۵). به رغم مخالفت‌های زیاد، او مصمم بود همه «اتباع ذکور دولت ایران» را به خدمت سربازی مکلف سازد (علیزاده و حمیدی، ۱۳۹۸: ۲۲) از این رو، اراده لازم و زمینه سیاسی برای این کار و منابع مالی ضروری را فراهم ساخت. به این ترتیب با این اقدام، زمینه ایجاد ارتش دائمی و منظم که یکی از بنیان‌های دولت مطلقه مدرن بود، ریخته شد و زمینه را برای حذف سایر مراجع قدرت فراهم آورد و دولت را به حاکم بلامنازع قلمرو سرزمینی ایران تبدیل کرد، چیزی که دولت مشروطه فاقد آن بود (کرونین، ۱۳۷۷: ۴۰۲-۴۰۳). یک نکته قابل توجه و مرتبط با مصوبه نظام اجباری، این بود که صولت‌الدوله قشقایی به استثنایی که در این قانون برای علما و وعاظ و طلاب دینی و طبق شرایط اعلام شده وجود داشت، اعتراض نمود و

سخنانی را در مجلس ایراد نمود اگرچه به قول جعفرقلی خان بختیاری، مجال حرف زدن به او ندادند (بختیاری، ۱۳۷۲: ۱۵۴).

رضاشاه برای تحقق بخشیدن به دولت مطلقه مدرن، ارتشی متشکل از پنج لشکر به وجود آورد (رحیم زاده صفوی، ۱۳۶۲: ۷۹؛ هدایت، ۱۳۴۴: ۳۷۰) و قانون نظام وظیفه عمومی را از تصویب مجلس گذراند، و در همین راستا، قانون سجل احوال نیز تصویب شد (ایوانف، ۱۳۵۷: ۶۹). او نهاد دولت را گسترش داد و روابط خاصی که بی سابقه بود، میان مردم و دولت به وجود آورد و مفهوم خدمت به دولت و نه هر صاحب قدرتی را مطرح نمود (بهنام، ۱۳۷۵: ۱۶۳). مسئله اسکان عشایر و سربازگیری و نظام وظیفه اجباری یک رویکرد دیگر هم داشت که نباید از نگاه به آن غافل ماند. رضاشاه با این اقدامات، درواقع به مردمان خود به چشم یک منبع قدرت نگاه می کرد (پوربختیار، ۱۳۹۵: ۴۲). ناگفته نماند اجرای این قانون علاوه بر کمک به تحقق ارتش نوین و موردنظر رضاشاه و نظم بخشی به امور نظامی، شرایط را برای مدیریت ایلات و عشایر نیز فراهم می نمود.

از دیدگاه رضاشاه، خدمت در ارتش، زمینه از بین رفتن تفاوت های ایلی و عشایری را فراهم می کرد و پیش درآمدی برای انسجام داخلی و وحدت ملی ایران بود. او تلاش می کرد تا پایه های کشور- ملت موردنظر خودش را پدید آورد. ملت همگون و دولت متمرکز، دوپایه این کشور-ملت بودند. برای ایجاد این نظام، هویت ها و موجودیت های گوناگون قومی - قبیله ای به گونه ای آشکار نفی گردید (اتابکی، ۱۳۷۳: ۸۰). سیاست دولت مرکزی نسبت به ایلات و عشایر از قبیل وحدت لباس، خدمت نظام وظیفه اجباری، لغو القاب و سیاست های فرهنگی، کاملاً آمرانه تحکمی و فاقد پیوندها و ارتباط ساختاری با مضامین و ماهیت جامعه ایلی و عشایری بود. خدمت نظام وظیفه و الزام آن برای ایلات و عشایر درواقع، سرکوب پیرامون به وسیله پیرامون از یک سو و خدمت، فقط به دولت مرکزی صاحب قدرت محسوب می شد. این اقدام، فقط به دولت سازی کمک می کرد اما نمی توانست ملت سازی را به وجود

بیاورد (بهنام، ۱۳۷۵: ۶۲). اجرای سیاست‌ها و اقدامات مبتنی بر تفکرات ناسیونالیستی و شرایط ایجادشده، با وجود دافعه ساختار کاست مانند ایلی، می‌توانست محرکی برای توسعه باشد. باوجوداین وضعیت، شهروندی به‌مثابه هسته ملت و ارزشی ملی و فراگیر فرصت ظهور پیدا می‌کرد، اما این وضع محقق نشد و گروه‌های ایلی و عشایری مانند نیروهای مذهبی کنار گذاشته شدند و در هیئت شهروندان درجه دو در حاشیه ماندند (اتابکی، ۱۳۸۵: ۱۶).

پژوهشگران درباره سیاست رضاشاه در امر سربازگیری نظرات مختلفی بیان نمودند. آبراهامیان نقش نظام‌وظیفه را این‌گونه تبیین می‌کند: «قانون نظام‌وظیفه اجباری فقط منجر به توسعه ارتش نشد، بلکه سربازان مرد را از محیط‌های سنتی بیرون کشید و آنان را برای نخستین‌بار در سازمانی ملی، مستحیل کرد. درواقع یکی از اهداف این قانون، تبدیل روستائیان و ایلات به شهروند بود (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۵۰). کرونین درباره اهمیت سربازگیری اجباری می‌نویسد: «معرفی سیستم نظام‌وظیفه اجباری عمومی از آرزوهای دیرین اصلاح‌طلبان ایرانی بود که معتقد بودند وجود یک ارتش نیرومند و ملی برای نوسازی و پیشرفت کشور کاملاً ضرورت دارد. در اوایل ۱۳۰۰ هجری شمسی خدمت نظام اجباری به‌عنوان یک گام لازم در راستای توسعه اقتدار ملی شناخته می‌شد» (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۳۱). همچنین گفته شده «قانون خدمت وظیفه اجباری، موجب شد روابط بین دولت و مردم تغییر کند و از این طریق ارتش در خانواده‌ها نیز مداخله کرد. همچنین نظام‌وظیفه موجب شد حقوق و وظایف شهروندان، از طریق پیوند با یک دولت تعیین شود (شیخ‌نوری، ۱۳۸۵: ۲۹). ملک‌زاده در تحلیل نهایی خود از این موضوع می‌نویسد: «رضاشاه و حامیان نوگرایی او خدمت سربازی را نیز همچون نهادی تازه برای تربیت جوانان ایرانی به‌ویژه روستائیان و عشایر می‌نگریستند» (ملک‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۰۸ و ۲۱۰).

۵. سربازگیری و نظام وظیفه اجباری در ایل بختیاری

با تصویب قانون خدمت اجباری، دایره سربازگیری و نظام اجباری نیز در سازمان قشون تأسیس شد و این دایره به تدریج تکامل یافت. در حوزه قلمرو ایل بختیاری، دو ناحیه در دو حوزه مستقل جهت انجام وظایف سازمانی تشکیل شد: یکی در ناحیه گرمسیری و دیگری در قلمرو سردسیری ایل بختیاری، که وظیفه داشتند کسانی را که از عشایر به سن قانونی خدمت نظام وظیفه رسیده بودند یا از آن سن تا حد معین گذشته بودند، به خدمت سربازی اعزام نمایند (تقوی، ۱۳۸۹؛ ۶۴). قانون سربازگیری در ایل بختیاری از همان ابتدا و درحالی که هنوز اقدامات قهری برای تحقق آن صورت نگرفته بود نیز به سختی در میان ایل بختیاری مورد اقبال واقع شد و حتی سران بختیاری مواضع متفاوتی نسبت به این قانون داشتند. سردارظفر در خاطراتش می نویسد «پنجاه روز بعد از عید نوروز در سال ۱۳۰۶ از مالامیر آمدم بیلاق. اوضاع بیلاق مساعد نبود. به خاطر سربازگیری بین بی بی مریم و فتح الله خان سردار ارشد، اختلاف پیش آمد. بی بی مریم علاقه مند بود رعایای همراه از خدمت سربازی معاف شوند اما امیرلشکر جنوب با این کار موافق نبود (بختیاری، ۱۳۵۷: ۳۹). دراین بین، برخی بزرگان ایل بختیاری، برای جلب حمایت همه طوایف بختیاری مسائلی مانند معافیت بختیاری ها از خدمت نظام وظیفه، انحلال اداره ثبت اسناد و املاک را که به تازگی در دهکرد دایر شده بود مطرح کردند (کرونین، ۱۳۷۷: ۱۹۹؛ بیات، ۱۳۶۵: ۸۰) هرچند معافیت از خدمت نظام وظیفه برای بسیاری از بختیاری ها جذابیت داشت اما انحلال اداره ثبت اسناد و املاک خواسته عامه بختیاری نبود (کرونین، ۱۳۷۷، ۲۰۰). باوجوداین، هم مسئله معافیت از نظام وظیفه و هم انحلال اداره ثبت، گاهی بهانه ای برای شورش برخی خوانین ازجمله شورش علی مردان خان بختیاری بود. هرچند نگاه طوایف بختیاری در مورد این دو موضوع یکسان نبود (طهماسبی و رستمی، ۱۳۹۰: ۳۱).

خدمت اجباری در ارتش برای افراد ایل بختیاری، به‌ویژه جوانان یک سازوکار نظامی، امنیتی و حقوقی بود. از یک‌سو دولت نیاز خود به نیروهای آماده‌به‌کار جهت حفظ امنیت عمومی و دفاع از مرزها را از طریق مردم به‌صورت اجباری و نه خودخواسته برطرف می‌کرد. از سوی دیگر، این اقدام تعرض و نفوذ دولت در ساختار سیاسی و نظامی ایل بختیاری را تسهیل می‌نمود. پیش‌ازاین، ارتباط ایل بختیاری و رؤسا و خوانین آنها با دولت، به‌صورت خودخواسته بود. اما قانون سربازگیری و نظام‌وظیفه اجباری همه افراد ایل بختیاری را موظف کرد برای تأمین منابع انسانی ارتش جدید به دولت پهلوی بپیوندند و از آن پیروی کنند. دنباله‌روی از این نظام، فارغ از تعلقات و وابستگی‌های ایلی-عشیره‌ای بختیاری‌ها بود و فرمان‌برداری از دولت مرکزی، درواقع، تحقق ملیت به شمار می‌رفت (نیازی و شالچی، ۱۳۹۲: ۵۹).

به‌موجب قانون نظام‌وظیفه و نیز قانون ثبت احوال، رابطه احتمالی و گاه‌وبیگاه ایل بختیاری با حاکمیت به رابطه‌ای قطعی و تغییرناپذیر تبدیل می‌شد. دولت پهلوی اول با اجرای این قانون افرادی از ایل بختیاری را که از سیاست‌گذاری‌های دولت دور بودند، به زیر چتر هویت‌سازی و ملت‌سازی خود درآورد. یکی از آثار مهم نظام خدمت اجباری در میان ایل بختیاری به‌خصوص جوانان، شکل‌گیری تصویر ایران در چارچوب مرزهای سیاسی و ملی بود. سربازان ایل بختیاری که اغلب تا پیش از ورود به خدمت سربازی، فقط با حدود مرزهای سیاسی-فرهنگی منطقه خود و گاه مناطق هم‌جوار آشنا بودند، با حضور در ارتش و خدمت در مناطقی دورتر از منطقه خویش با تصویر ایران در قالب یک دولت-ملت آشنا می‌شدند. نظام‌وظیفه، بسیاری از جوانان ایل بختیاری را مجبور به ترک منطقه خود، و سکونت در شهرها و مناطق دیگر کشور کرد (Wilcox, 2011, 294). ازاین‌رو، تصویب و اجرای قانون نظام‌وظیفه، نوعی نهادسازی به سبک غربی بود. نظریه‌پردازان دولت مطلقه رضاشاه به‌خوبی دانستند که برای تحکیم پایه‌های قدرت حکومت، باید ساخت اجتماعی و

چارچوب‌های ارزشی و فرهنگی گذشته ایران به‌خصوص تکیه حاکمیت به ایلات و عشایر را دگرگون کنند. در راستای انحصاری کردن قدرت در دست حاکمیت و کوتاه کردن دست ایلات و عشایر به‌خصوص ایلات پرنفوذ مانند بختیاری‌ها به‌عنوان نیروهای مؤثر تاریخی در بسیج مردم، قانون خدمت نظام وظیفه نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی داشت. این قانون، همچنین می‌توانست همه‌ی افراد را فراتر از ایل و قبیله، در چارچوب ارتشی متمرکز جذب کند. این مسئله باعث شد تا برتری قومی و قبیله‌ای اساساً در نیروهای نظامی ایران جایی نداشته باشد. از بین رفتن برتری ایلی و طایفه‌ای ناشی از اجرای نظام وظیفه اجباری اگرچه تا حدودی ابعاد ملی و تمرکزگرایی دولت را تقویت می‌کرد و زمینه را برای شکل‌گیری ایده ملت و ملت‌گرایی موردنظر رضاشاه فراهم می‌کرد اما مشکلات متعددی داشت که در ادامه به این مشکلات در ایل بختیاری پرداخته می‌شود.

۶. مشکلات سربازگیری و نظام وظیفه اجباری در ایل بختیاری

اجرای قانون سربازگیری و نظام وظیفه اجباری علاوه بر واکنش منفی و اعتراض مردم در بیشتر شهرها، با دشواری‌های متعددی روبه‌رو بود که برای برون‌رفت از آنها لازم بود چاره‌اندیشی شود (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۱۵ و ۱۳۹). این اقدام با مقاومت بختیاری‌ها که به‌طور سنتی برای استقلال خود تلاش می‌کردند و اطاعت از دولت مرکزی را برمی‌تافتند مواجه شد. سردارظفر در خاطرات خود از «یاغی‌شدن» اولاد اللهیار خان به خاطر نظام خدمت اجباری یاد می‌کند و تأکید دارد که او از طرف دولت مأمور شده آنها را دفع کند (بختیاری، ۱۳۷۲: ۱۳). ایل بختیاری با هویت فرهنگی و جایگاهش در بین ایلات و سبک زندگی خاص خود، معرف زندگی عشایری در ایران بود و در برابر تلاش‌های دولت برای سربازگیری و نظام وظیفه اجباری مقاومت کرد. اجرای قانون نظام وظیفه بین بختیاری‌ها به‌دلیل وفاداری افراد قبیله به رهبران خود و زمینه تاریخی حکومت قبیله‌ای که روابط خویشاوندی و اقتدار محلی

را بر وفاداری ایالتی اولویت می‌داد، پیچیده بود. علاوه بر این، تحمیل قوانین جدید و خدمت سربازی اغلب با آداب و رسوم قبیله‌ای در تضاد بود و منجر به تنش‌ها و چالش‌هایی در ایل بختیاری شد. اجرای قانون نظام وظیفه در ایل بختیاری در این دوره با چالش‌هایی در جذب اعضای این گروه عشایری در ارتش یا سایر نهادهای دولتی روبه‌رو بود که مصادیقی از این چالش‌ها و نارضایتی‌ها در ادامه بررسی می‌شود.

۱-۶. نارضایتی کدخدایان و تعدیات مأموران سربازگیری

کدخدایان اغلب برای نقش‌ها یا مسئولیت‌های خاص، در یک جامعه یا محله انتخاب می‌شدند و طبق قوانین می‌بایست همه افراد از آن تبعیت می‌کردند. آنان از طرف دولت اختیار داشتند تا افراد واجد شرایط را برای نظام وظیفه و سربازگیری به دولت معرفی کنند. در این راستا وزارت داخله، بخش‌نامه‌ای را در خصوص وظایف کدخدایان در خصوص اعزام و معرفی سربازان به نظام وظیفه صادر نمود (ساکما: ۲۹۱/۱۲۰۶۷؛ ر.ک: پیوست شماره ۱). در اعلانی که در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۱۴ صادر شده، این‌گونه آمده: «برای کدخدایان تکالیفی در قسمت نظام وظیفه معین نموده و برای تخلف آنان نیز مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است لذا مقتضی است مقرر فرمایید در هر مورد که کدخدا در اجرا و وظایف خودداری نمایند موارد تخلف را به فرمانداران مستقیماً رجوع نمایند تا طبق ماده ۲ نظامنامه کدخدایان محکمه اداری تشکیل داده متخلفین را مجازات نمایند. رونوشت شرح فوق برای اطلاع به فرمانداری همه شهرها ارسال شد» (ساکما: ۲۹۳/۱۲۰۵۰۸). در کنار همکاری کدخدایان در این امر، مأموران دولت نیز وظیفه نظارت و همکاری را داشتند. گاهی تعدیاتی مانند تبعیض یا زورگویی، مقررات سخت‌گیرانه‌تر عدم آگاهی و ناآشنایی با قوانین، ارتباطات ناکافی یا نارضایتی از بدرفتاری توسط مأموران صورت می‌گرفت. در صورتی که مشکلی پیش می‌آمد و سربازگیری دچار تنگنایی می‌شد، اداره نظام وظیفه عمومی با فرستادن نامه و تذکرات لازم، دشواری‌ها را رفع می‌کرد (ساکما: ۹۷/۳۳۹/۱۹۵۷). با توجه به این تنگناهای مهم و قابل توجه، رضاشاه

و همکاران نظامی او دریافتند که با زور و اجبار و اعمال دیکتاتوری نظامی، نمی‌توان قانون نظام اجباری را به انجामी مطلوب رساند و اندیشه نوسازی ایران را شکوفا کرد. به‌ویژه آنکه گزارش‌های متعدد از سوی کدخدایان و مأموران نشان می‌داد که اغلب ناراضی و شاکی بودند (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۳۸). در نامه فرماندار چهارلنگ بختیاری به اداره نظام وظیفه در سال ۱۳۱۸/۱/۱۵ ه.ش فرستاده شد نیز آمده است: «به مشمولین منطقه چهارلنگ بدرفتاری نمودند» (ساکما: ۲۹۱/۲۳۸۹) (ر.ک: پیوست شماره ۲). عرایض و نارضایتی‌های زیادی به‌صورت تلگراف از شهرهای گوناگون در مورد قانون نظام وظیفه و سربازگیری به ریاست‌وزراء ارسال می‌شد (ساکما: ۳۱۰/۳۲۳۳۴). شکایت از تعدیات و سوءرفتار مأموران سربازگیری باعث افزایش تعداد عریضه‌نویسی و تظلم‌نامه‌های ارسالی شده بود (ساکما: ۳۱۰/۳۱۹۸۱).

۲-۶. تشکیل مجلس سربازگیری در میان ایل بختیاری

تشکیل مجلس سربازگیری شامل ایجاد یک گروه و کمیته ساختاریافته‌ای بود که وظیفه فرآیند جذب، انتخاب و به‌کارگیری داوطلبان جدید را بر عهده داشت. هر مجلس سربازگیری، یک رئیس و چند عضو داشت. در ماده بیست و دوم قانون نظام اجباری مصوبه شانزدهم خرداد ۱۳۰۴ در این مورد آمده بود: «برای اجرای سربازگیری، در مرکز هر حوزه سربازگیری، مجلسی مرکب از اعضای مفصله ذیل تشکیل می‌شود: ۱. حاکم و رؤسای مالیه و بلدیّه و نظمیّه و امنیه و مدعی‌العموم محل در صورت بودن رؤسای مزبور محل ۲. پنج نفر از صاحبان منصب و یک و یا دو نفر طبیب نظامی به انتخاب فرمانده ناحیه سربازگیری. ۳. پنج نفر از معارف و معتمدین اهل محل که یکی از آنها از طبقه علما خواهد بود به تعیین حاکم محل» (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۸: ۲۷). در هر حوزه مأموریت کدخدا و نماینده مشمولین نظام وظیفه عمومی باید احضار می‌شدند و مطابق قانون و نظامنامه رفتار می‌کردند (ساکما: ۲۹۳/۱۲۰۱۹۲). فعالیت‌های حکومت چهارمحال در زمینه تشکیل مجلس سربازگیری، دعوت

از اشخاص و کدخدایان جهت عضویت در ایل بختیاری انجام گرفت (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷). حاکم هر حوزه ایل بختیاری، موظف بود رؤسای مجالس سربازگیری حوزه‌های مربوط به ایالت خود را تعیین و به اداره نظام‌وظیفه معرفی کند. به‌عنوان مثال، در تاریخ: ۱۳۰۸/۳/۸: «معرفی یک نفر نماینده از طرف این اداره در مجلس سربازگیری وصول یافت. معرفی می‌نماید که در ساعات مقرر در مجلس مزبور به هم رساند» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۶۲). در نامه‌ای آمده است: «با اینکه تشکیل مجلس سربازگیری با مشکلات گوناگون مواجه بود اما همه این مجالس در ایل بختیاری تشکیل می‌شد و با موفقیت کار خود را به اتمام می‌رساند. برطبق اسناد، گزارش‌های بسیاری از ایل بختیاری حاکی از این بود که: «عملیات مجلس سربازگیری تشکیل و خاتمه یافت» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۶۲). در بعضی مواقع، کدخدایان می‌بایست حضور خود را در نامه‌ای از بخشداری به اداره نظام‌وظیفه اعلام می‌کردند. به‌عنوان نمونه می‌توان به نامه کدخدای ایل بختیاری حوزه اصلی چهارمحال و بختیاری در تاریخ: ۱۳۱۷/۴/۲۳.ش اشاره کرد که نوشته است: «مجلس سربازگیری تشکیل شد و این‌جانب در آن شرکت کردم» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۵۹۴). کدخدایان و نمایندگان دیگری بودند که برای مجلس سربازگیری عدم حضور خود را زودتر اطلاع می‌دادند تا فرد دیگری را جایگزین کنند تا مجلس سربازگیری به‌موقع و سر ساعت تشکیل شود. نماینده دیگری طی نامه‌ای جداگانه به شماره ۱۱۲۱۴، در تاریخ ۱۳۱۳/۵/۲۵ به مقام محترم چهارمحال نوشته است که: «محترماً به عرض عالی می‌رسانم بنده را برای عضویت مجلس مقدس سربازگیری منتخب فرموده بودید تراکم امورات و گرفتاری‌های متواتر مانع از حضور بنده در مجلس سربازگیری است. زیرا ترک امورات موجب خسارت و ضرر فوق‌العاده خواهد شد. بدین‌جهت بنده را از عضویت مجلس مزبور معذرت و استعفا دارم» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷).

در بعضی مواقع، مجلس سربازگیری به دلیل شرایط نامساعد جوی تشکیل نمی شد. نامه ای مربوط به ایل بختیاری موجود است در آن نوشته شده: «ملزم کردیم کدخدایان به حسب دست خط آقای حکمران که مشمولین ایل بختیاری را حاضر نمائیم» و در نامه ای دیگر ذکر شد که «جلسات سربازگیری در اداره نظام وظیفه از تاریخ یکشنبه ۹ دی ماه لغایت یوم سه شنبه ۹ بهمن / از سه شنبه ۱۸ دی لغایت دوشنبه ۲۴ دی به علت آمدن برف تعطیل بوده» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸). تعیین نماینده برای حضور در مجلس سربازگیری مزایای متعددی داشت: اولاً، اینکه می تواند به ارتباط مؤثرتر و تعامل با مشمولین منجر شود و می تواند تصمیمات به موقع بگیرد. ثانیاً، حضور نماینده می تواند فرآیند سربازگیری و نظام وظیفه اجباری را ساده تر کند. به طور کلی، هدف مجلس سربازگیری در ایل بختیاری، دستیابی به اجماع در مورد داوطلبان و به کارگیری آنان مؤثر بود.

۳-۶. نارضایتی از نظام وظیفه و درخواست از مشمولین

اداره نظام وظیفه عمومی، اعلامیه ای را درخصوص شرایط و چگونگی معافیت خدمت نظام وظیفه مشمولین در همان زمان منتشر کرد. در این آگهی، شرایط و ویژگی های مشمولین به دقت نوشته شده بود (ساکما: ۹۷/۲۹۳/۱۸۳۱۱). عده بسیاری از مردان ایل بختیاری که به خدمت سربازی اجباری اعزام شده بودند، با شرایط سختی مواجه بودند و اغلب به مناطق دورافتاده فرستاده می شدند. این مسئله باعث افزایش نارضایتی نسبت به دولت مرکزی شد. گزارش ها و نامه نگاری های متعددی از افراد مختلف ایل بختیاری که اشتغال داشتند و یا تحت تکلف بودند، حاکی از بلاتکلیفی و یا آزار و اذیت بود که موجب شد مقامات محلی به این درخواست ها رسیدگی کنند. رسیدگی به شکوایه های مختلف افراد ایل بختیاری درخصوص معافیت مشمولین سربازی از وظایف اداره نظام وظیفه بود که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره می شود.

عریضه‌ای در تاریخ ۱۳۱۴/۲/۲۰، با این مضمون آورده شده که: «با نهایت بیچارگی به عرض می‌رسانیم چاکران را جهت مشمول در اداره نظام‌وظیفه آورده و رعیت کار هستیم که فعلاً شخص زارع چنانچه در صحرا نباشد اسباب خسارت اوست و به‌علاوه هم یک مادر پیر و یک خواهر داریم و غیر از ما دو نفر دیگر کسی را ندارند که سرپرست آنها را بنمایند و رفع کار زراعت را بنماید لذا استدعामندیم امر و مقرر شود که یک نفرمان برود سر خدمت نظام و یک نفر دیگر ما سر رعیتی باشیم». شکواییه دیگری در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ ه.ش، از مادری است که تنها پسرش غلامرضا عابدان سرپرست خانواده بوده و زندگانی خود را اداره می‌کرد و درخواست نموده که پسرش معاف شود. در پاسخ به عریضه وی، متصدی نظام‌وظیفه نوشته شده است: «در صورت صدق اظهارات، طبق مقررات با او رفتار نمایند. از رضا عابدان پور خباز شهرداری تحقیقات لازمه به عمل آمد و معلوم شد که غلامرضا مادری دارد که سن او تقریباً پنجاه سال می‌شود و سه برادر کوچک‌تر از خودش دارد و دو خواهر. غلامرضا عیال دارد و شغلش خبازی است که می‌بایست عایدات خبازی مخارج یومیه عائله و سه نفر برادر و یک خواهر که ازدواج نکرده و مادر و عیالش را اداره نماید» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۶۱۸). در عریضه دیگری به تاریخ ۱۳۱۳/۸/۱۹ ه.ش، نوشته شده است که: «داره محترم نظام‌وظیفه حوزه ثابت ۳ ایل چهارمحال و بختیاری با ارسال سواد عرض حال آقای متکفل مادر پیر خود بوده و مادر او هم کسی دیگری را کفالت می‌نماید ندارد. طبق اظهارات مشارالیه‌ها تکلیف شخص مزبور معلوم نشده چگونگی او را سرباز دانسته‌اند. مقتضی است جریان را مرقوم بفرمائید» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷). کرمعلی مشمول دیگری بود که برادر شانزده ساله و دوازده ساله داشت و به‌واسطه تکفل، معاف شد (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸). علاوه بر این گزارش‌ها، دفتر متکفلین ایل بختیاری با مشخصات کامل به همراه دلایل معافیت آنان در سازمان اسناد و کتابخانه ملی موجود است (ساکما: ۲۹۳/۱۲۰۵۰۸). معافیت مشمولین خدمت نظام‌وظیفه، بر اساس معیارهای مختلفی بود که دولت توانست براساس این

شاخص‌ها عده‌ای را از خدمت نظام وظیفه اجباری معاف کند. این معافیت مانند دیگر مناطق، شامل افراد ایل بختیاری نیز شد به گونه‌ای که برخی از اسناد، حکایت از درخواست خانواده‌هایی از ایل بختیاری برای معافیت فرزندانشان می‌نماید.

۷. احضار مشمولان و تهیه آمار در ایل بختیاری

احضار مشمولان و تهیه آمار به عنوان اولین گام در تعقیب اجرای قانون سربازگیری و نظام وظیفه اجباری با دشواری‌های متعددی روبه‌رو بود که برای برون‌رفت از آنها، لازم بود راه کارهایی ارائه شود (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۳۷). تعیین وضعیت مشمولین، مستلزم احضار به موقع و بر اساس آمار ثبت شده صورت می‌گرفت که هدف کلی آن به دست آوردن آمار و ارقام دقیقی بود که می‌توانست به تصمیم‌گیری کمک، و شناسایی زمینه‌های نیاز را بهبود و برجسته کند. در این راستا دولت پهلوی بخشنامه تبلیغ، احضار و معرفی مشمولین نظام وظیفه و لزوم معرفی آنان به مجلس را توسط کدخدایان صادر نمود (ساکما: ۲۹۱/۱۲۰۶۷)؛ (ر.ک: پیوست شماره ۳). صورت اسامی دهستان‌ها به همراه تعداد سرباز و مبالغ اخذ شده از اهالی و خوانین ایل بختیاری در سال ۱۳۰۳ ه.ش، جمع‌آوری (ساکما: ۲۴۰/۱۸۴۸۳) و دستور داده شد که اسامی مشمولان را در دفاتر نظام وظیفه ثبت کنند (ساکما: ۹۷/۳۳۹/۴۵۸). اداره نظام وظیفه عمومی با ذکر شرایط و احضار مشمولین، اعلامیه‌ای صادر نمود (ساکما: ۲۹۳/۱۴۱۵۴۸). در این اعلامیه برای اعزام به خدمت نظام وظیفه شرایط سنی تعیین شده بود (ساکما: ۲۹۳/۳۳۷۶۰). در سال ۱۳۱۰ ش، طی اطلاعیه‌ای جهت تهیه آمار و تعیین وضعیت همه مشمولان خدمت نظام وظیفه ایل بختیاری فراخوانده شدند (ساکما: ۲۹۳/۸۲۶۴۱). سران و بزرگان ایل بختیاری با تشکیل جلسات سربازگیری و دعوت از اشخاص و کدخدایان، فهرست مشمولین نظام وظیفه را اعلام نمودند (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷). یک گزارش قابل توجه از احمدی بختیاری، از چهره‌های سرشناس این ایل - که در فاصله ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ مسئولیت

انتظامات مناطق نفت‌خیز جنوب را داشته- موجود است که نشان می‌دهد این سردار بختیاری در مناطق خارج از قلمرو اصلی زیست بختیاری‌ها به‌عنوان یک مأمور در موضوع سربازگیری هم انجام‌وظیفه نموده است. او می‌نویسد «... گزارش روزانه هفتگی و ماهیانه را در خصوص نظام‌وظیفه و سربازگیری در این مناطق را به‌وسیله تیمسار سپهبد فرج‌الله خان حاکم خوزستان به عرض شاهنشاه می‌رسانیدم» (احمدی بختیاری، ۱۳۵۶: ۵۶). با توجه به اسناد موجود، به نظر می‌رسد که حضور کدخدایان، معتمدین مجلس و همچنین همکاری مأموران در تهیه آمار مشمولین نقش بسزایی داشت و نتایج مثبتی به بار آورد. البته باید اشاره نمود که این فرآیند به‌تدریج صورت می‌گرفت. برای مثال در نامه حوزه فرعی چهارمحال در تاریخ ۱۳۰۸/۴/۵ آمده است: «اعلانات مشمولین قراءها ایل بختیاری دستور فرمایید اعلانات مذکور را به کدخدایان مجلس تسلیم و مشمولین خود را در اداره نظام‌وظیفه حاضر نمایند و رسید آن را نیز دریافت داشته به این حوزه ارسال دارند» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸). بر این اساس، سران ایل موظف بودند رسید مشمولین را جمع‌آوری کنند و به اداره نظام‌وظیفه بفرستند. در سند دیگری تاریخ ۱۳۰۸/۴/۶: «مشمولین ایل بختیاری که توسط کدخدایان منتشر کرده و رسید گرفته که برای روز دوشنبه ۲۳ محرم مشمولین خود را به اداره نظام‌وظیفه حاضر دارند» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸). برای بردن مشمولین ایل بختیاری جهت خدمت نظام‌وظیفه به مرکز حکومت نظامی، قوانینی مانند تحت‌الحفظ اجرا می‌شد (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۶۲). احضار مشمولین همچنان توسط مأمورین پیگیری و با دقت زیادی انجام می‌شد. در تاریخ ۱۳۱۸/۱۰/۲۲: اداره نظام‌وظیفه به فرماندار نظامی ایل چهارلنگ نامه‌ای نوشت مبنی بر اینکه: «مأمورین مربوطه در صورتی که سربازان آماده‌به‌خدمت، دارای برگه مرخصی و یا معافی در دست نداشته باشند از عبور دادن آنان جلوگیری کنند» (ساکما: ۲۹۱/۷۴). غیبت و فرار مشمولین باعث به‌تعویق افتادن و متوقف شدن روند مجلس سربازگیری می‌شد (ساکما: ۲۹۱/۱۳۴۱). در این راستا گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد فرار مشمولین هم در ایل

بختیاری وجود داشته است (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۸۴). تهیه آمار و تعیین وضعیت مشمولین، چندین عیب داشت: اولاً، این فرآیند زمان‌بر بود و به مأموران بسیاری برای جمع‌آوری مشمولین نیاز داشت که این می‌توانست منجر به تأخیر در اعزام مشمولین شود. ثانیاً، عدم دقت و نادیده گرفتن مشمولین در آمار و ارقام ممکن بود نتایج گمراه‌کننده به همراه داشته باشد، زیرا اعزام مشمولین با قرعه‌کشی صورت می‌گرفت و عده‌ای انتخاب می‌شدند و مقرر می‌شد که خود را به اداره نظام وظیفه اجباری معرفی کنند. شمار غایبان زیاد بود و برای جلوگیری از هیا‌هو و تنش، توسط مأمور جهت جمع‌آوری، غائبین تحت پیگرد قرار می‌گرفتند و به خدمت اعزام می‌شدند.

۸. مشکلات معاینات پزشکی و سلامت مشمولین بختیاری

تدارک و اعزام پزشک نظامی یا صحّی برای تشخیص مشمولان مبتلا به بیماری، یکی از مهم‌ترین دشواری‌های رسیدگی به کار مشمولان بود که همه دستگاه‌های مسئول را به تکاپو انداخته بود (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۸۵). طرح معافیت پزشکی نظام وظیفه شامل موارد متعددی بود که هر کدام از آن‌ها شرایط خاص خود را داشت (ساکما: ۲۱۰/۷۹۲۸). برای رسیدگی بیشتر، کمیسیون‌های طبی متعددی برای نظام وظیفه در این دوره تشکیل شد (ساکما: ۲۹۱/۴۰۷). شکایت‌های متعددی از سوی افراد در زمینه مسائل مربوط به تقاضای معافیت نظام وظیفه به اداره نظام وظیفه عمومی دولت می‌رسید (ساکما: ۲۹۳/۳۳۵۷۲). رسیدگی نخست‌وزیری و اداره نظام وظیفه عمومی به این شکوائیه‌های مختلف به تدریج انجام می‌شد. درخواست معافیت از نظام وظیفه، توسط عده‌ای از مشمولین و فعالیت مأمورین سربازگیری در این خصوص صورت گرفت. مکاتبات نخست‌وزیری و وزارت جنگ درباره درخواست‌های شهرهای مختلف مبنی بر معافیت مشمولان از خدمت نظام وظیفه توسط آنها ارسال می‌شد (ساکما: ۳۱۰/۳۲۶۰۰). در تاریخ ۱۳۰۸/۲/۱۱ اداره حکومت جلیله نظامی چهارمحال و لشکر

بختیاری اعلام نمود که «چون مشمول حاضرین طبق دستور ریاست صحنه باید با حضور دکتر صحنه به عمل آید متمنی است به طبیب صحنه چهارمحال اعلام دارند به جهت معاینه مشمولین به اداره نظام وظیفه حضور به هم رسانند» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸). آنچه از عرایض موجود در اسناد به دست می آید، اغلب درخواست های معافیت از خدمت سربازی، معاف شدن به دلیل بیماری بود. به عنوان مثال می توان به عریضه سید زبیده جعفری شهرکردی به همراه دخترهایش خطاب به «مقام محترم حکومت جلیله چهارمحال» اشاره کرد که درخواست مبنی بر فراخوانده شدن پسرش به نام رضا جعفری به سربازگیری است. در این درخواست تأکید شده وی چشم هایش معیوب بوده و کفیل دو نفر است (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷)؛ (ر.ک: پیوست شماره ۴).

تأمین پزشک برای تشخیص معافیت مشمولین یکی دیگر از اقدامات دولت برای پیشبرد امور مربوط به نظام وظیفه اجباری بود. سروان انصاری، رئیس کمیسیون حوزه ایل چهارمحال و بختیاری در تاریخ: ۱۳۱۷/۳/۷ به اداره بخشداری چهارمحال و بختیاری نوشته است: «نظر به اینکه برای عضویت در کمیسیون برای معاینه افراد، به یک نفر پزشک کشوری لازم است خواهشمند است یک نفر پزشک صلاحیت دار برای معاینه افراد معرفی نمایند». در پاسخ به این نامه دکتر لطف اله، پزشک بهداری چهارمحال، را معرفی کردند (ساکما: ۲۹۳/۱۲۰۵۰۸). تأمین هزینه های رفت و آمد پزشکان برای معاینه های طبی مشمولین از دیگر مشکلاتی بود که مأمورین و کدخدایان با آن مواجه بودند. به عنوان نمونه می توان به نامه دکتر تومانیان در تاریخ ۱۳۱۳/۴/۱۵.ش اشاره کرد که نوشته است: «برای مشاوره های طبی و معاینه مشمولین حوزه ایل چهارمحال و بختیاری دعوت شده ام و چندین بار است که بیش از این از عهده خرج و خسارت مسافرت بر نمی آیم. متمنی است بنده را از رفتن برای معاینه مشمولین معاف دارید» (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷). ، در تاریخ ۱۳۰۷/۱۱/۱۳، طبق گزارش های موجود اداره کل صحنه مملکتی در میان ایل بختیاری ۶۷۱ نفر از مشمولان را معاینه کرده است و ۱۴۶ نفر از

آن‌ها معاف شدند. در دیگر دهستان‌های تابعه، ۹۸۲ نفر معاینه و ۳۲۶ نفر معاف شدند. در مجموع ۴۷۲ نفر معاف شدند (ساکما: ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸). با توجه به موارد فوق، یکی دیگر از سیاست‌های دولت این بود که افراد دارای مشکلات خاص جسمی و روحی را از خدمت نظام وظیفه معاف نمایند. این معافیت‌ها می‌توانست منجر به تشکیل نیروی نظامی قوی و کارآمدتر شود، زیرا تضمین می‌نمود که تنها کسانی که کاملاً توانایی و مناسب برای خدمت هستند، استخدام شوند. به‌طور کلی، سیاست معافیت پزشکی در این دوره، نشان‌دهنده نگرش مثبت به سلامت و خدمت سربازی بود. معافیت از خدمت نظام وظیفه در دوران رضاشاه، به افراد اجازه می‌داد به دلیل مشکلات و مسائل گوناگون از خدمت سربازی معاف شوند. این معافیت‌ها بر اساس معیارهای پزشکی خاص بود و به افراد دارای شرایط خاص، اجازه می‌داد تا از خدمت سربازی اجباری دور باشند. درواقع هدف دولت، تضمین این بود که تنها کسانی قادر به انجام وظایف نظامی هستند که دارای سلامت جسمی و روحی کامل باشند. این تصمیم طی آگهی‌ها و اعلان‌های مختلف توسط دولت به مأموران، اطلاع‌رسانی می‌شد و آنان مسئول اطلاع‌رسانی در سطح وسیع‌تری بودند (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۵۶۹۰).

۹. نبود اعتبار لازم برای مخارج سربازگیری

بودجه اندک و ناکافی منجر به تعویق و یا کندتر شدن فرآیند عملیات سربازگیری و نظام وظیفه اجباری در این دوره می‌شد. تأمین اعتبار برای هزینه‌هایی مانند: مجلس سربازگیری، رفت‌وآمد کدخدایان، مأموران و طبیبان و غیره بود و تأمین آن‌ها، دولت را ملزم می‌کرد تا خط‌مشی روشنی برگزیند و مشخص کند که کدام هزینه‌ها واجد شرایط و موردنیاز برای مخارج سربازگیری، لازم‌تر است. با این هدف، در سال ۱۳۰۶ش، هیئت‌وزرا در مورد تعیین اعتبار مربوط به مخارج سربازگیری و صورت برآورد هزینه‌های سربازگیری به تفکیک شهرها تصویب‌نامه‌هایی را داشت (ساکما: ۳۱۰/۵۴۶۴۷). طرح تصویب‌نامه

پیشنهادی وزارت داخله به ریاست‌وزراء درباره تأمین اعتبار و هزینه‌های مأموران سربازگیری، با پیشنهاد مزبور و صدور تصویب‌نامه در سال ۱۳۰۹ هـ.ش موافقت شد (ساکما: ۳۱۰/۵۴۷۴۶). اداره نظام‌وظیفه عمومی، نامه‌ای را به ریاست‌وزرا در خصوص درخواست اعتبار برای مخارج سربازگیری در سال ۱۳۱۴ ش ارسال کرد (ساکما: ۳۱۰/۳۲۴۵۶). در سال ۱۳۱۷ هـ. ش هیئت‌وزیران پیشنهاد وزارت کشور مبنی بر پرداخت هزینه‌های سفر و فوق‌العاده نمایندگان فرمانداری‌ها و استانداری‌ها جهت رسیدگی به امور سربازگیری از اعتبار دولت را تصویب نمود (ساکما: ۳۱۰/۵۵۰۹۶). دفتر نخست‌وزیری با وزارتخانه‌های کشور، دارایی و جنگ در سال ۱۳۱۹ مصوبه‌ای در خصوص هزینه‌ها و تأمین اعتبار اضافی برای اجرای قانون سربازگیری تصویب نمود (ساکما: ۳۱۰/۳۲۴۶۹). همچنین صورت احتیاجات و وسایل لازم در حوزه سربازگیری ایل چهارمحال و بختیاری در ۱۳۱۳ ش طی نامه‌ای به اداره نظام‌وظیفه عمومی ارسال شد (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷)؛ (ر.ک: جدول شماره ۱). با توجه به صورت‌جلسات مجالس سربازگیری، به نظر می‌رسد که در همه حوزه‌های اصلی و فرعی ایل چهارمحال و بختیاری، مبلغی را به صورت اعتبار در نظر گرفته بودند که از آن استفاده کنند. نمونه خلاصه صورت‌جلسات تلخیص‌شده حوزه‌های اصلی و فرعی در جدول شماره ۲ آمده است (ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷)؛ (ر.ک: جدول شماره ۲). گزارش‌های موجود در اسناد نشان می‌دهد که کدخدایان و نمایندگان سربازگیری ایل بختیاری، با وجود مشکلات و موانع مالی، اعتبارات لازم برای سربازگیری را فراهم کردند و توانستند کارکرد مؤثر و قابل‌توجهی داشته باشند.

جدول شماره (۱): صورت احتیاجات حوزه سربازگیری ایل چهارمحال و بختیاری

۱۳۱۳ هـ.ش

ردیف	شرح	تعداد
۱	میز بزرگ چوب چنار برای کمیسیون سربازگیری	یک دستگاه
۲	میز تحریر گردو یا چنار مطابق دستور	دو دستگاه
۳	میز تحریر چوب چنار یا چنار مطابق دستور	دو دستگاه
۴	صندلی چوب چنار یا چنار مطابق دستور	دوازده دانه
۵	گنجه بزرگ و کوچک	سه دستگاه
۶	جای رخت	دو دانه
۷	چراغ گرد سوز	دو دانه
۸	چراغ هادی برای قراولخانه	یک دانه
۹	لیوان آبخوری با در	یک دانه
۱۰	کارد چوب گردو	سه دانه

(ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷)

جدول شماره (۲): صورت اعتبارات سربازگیری ایل چهارمحال و بختیاری در سال

۱۳۱۳.ش

ردیف	محل	مبلغ (دینار)
۱	حوزه ریاست ۳ چهارمحال	۱۲۰۰
۲	حوزه فرعی ۱ لار	۱۰۰
۳	حوزه فرعی ۲ کندمان	۱۰۰
۴	حوزه فرعی ۳ کیارومیزدج	۱۰۰

۵	حوزه فرعی ۴ پشت کوه	۱۰۰
۶	حوزه فرعی ۵ میان کوه	۱۰۰
۷	حوزه فرعی ۶ فریدن سفلی	۱۰۰
۸	حوزه فرعی ۷ فریدن علیا	۱۰۰
۹	حوزه فرعی ۸ چهارلنگ	۱۰۰
۱۰	حوزه فرعی ۹ هفت لنگ	۱۰۰
۱۱	حوزه فرعی ۱۰ جانکی	۱۰۰
۱۲	حوزه فرعی ۱۱ خانمیرزا	۱۰۰

(ساکما: ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷)

نتیجه گیری

در دوره پهلوی با هدف تحقق ایدئولوژی حاکمیت، تلاش‌های گسترده‌ای برای نوسازی صورت گرفت. مفهوم خدمت سربازی در این دوران به شدت تحت تأثیر نیاز به ایجاد یک ارتش ملی قوی بود تا بتواند یکی از اهداف حکومت را که نوسازی بود حمایت کند. رضاشاه خدمت سربازی را با هدف ایجاد نیروی نظامی منظم و مدرن، اجباری کرد. این حرکت، بخشی از اقداماتی بود که او را در تحقق ایدئولوژی حکومتش یاری می‌داد؛ ایدئولوژی‌ای با شاخصه‌های همچون تجدد، ناسیونالیسم و سکولاریسم. ارتش نهاد کلیدی برای وحدت ملی و نوسازی تلقی می‌شد و نشان‌دهنده قدرت و توان داخلی و بین‌المللی حکومت بود. مشخصه نظام خدمت سربازی، تمرکز بر آموزش و نوسازی، با تأسیس آکادمی‌های نظامی و دستیابی به تسلیحات مدرن بود. در دوره پهلوی، خدمت سربازی یکی از جنبه‌های مهم سیاست ملی و ساختار اجتماعی بود. دولت قوانین اجباری را اجرا کرد که بر اساس آن مردان جوان ملزم به خدمت در نیروهای مسلح برای مدت معینی بودند. تحقق

این امر، مستلزم آن بود که قانون نظام‌وظیفه بدون هیچ تفاوت و تبعیضی در همه مناطق ایران و به‌دور از ملاحظات قومی و زبانی اجرا شود. همین رویکرد، از دلایل اصلی اجرایی‌شدن قانون نظام‌وظیفه در بین ایل بختیاری نیز شد. اجرای قانون نظام‌وظیفه در قلمرو ایل بختیاری با مشکلات متعدد انسانی و فرهنگی، طبیعی و جغرافیایی و مدیریتی و مالی روبه‌رو بود اما تصمیم حاکمیت بر اجرای این قانون موجب شد که حتی با اندکی تأخیر نسبت به برخی مناطق، قانون نظام‌وظیفه با تمام ویژگی‌ها و بایسته‌هایش مانند فراخوان مشمولین، ثبت‌نام و انجام معاینات لازم، تشکیل مجلس سربازگیری و مقاومت و مخالفت‌ها و نارضایتی‌ها در بین ایل بختیاری نیز اجرا شود. این اقدام، یک سویه دیگری نیز در میان ایل بختیاری داشت. بختیاری‌ها از مؤثرترین و بزرگ‌ترین ایلاتی بودند که رضاشاه در راستای اسکان آنها و مدیریت و کنترل نظام ایلی حتی در ایام اجرای قانون نظام‌وظیفه به این سیاست - طبیعتاً از نگاه بزرگان و حتی افراد ایل بختیاری - یک نوع همسویی و عمدتاً با نگاه به «برنامه‌های کنترل و اسکان عشایر» می‌نگریست، اگرچه نوعاً شاید این پیوستگی به این شدت نبود. حاصل این دو اقدام در بین ایل بختیاری اینکه چون اجرای هر دو سیاست ماهیت اقتدارگرایانه و توأم با چاشنی سرکوب و مقابله با منتقدین و مخالفین بود، با اعتراضات، انتقادات و گاه مخالفت‌هایی روبه‌رو شد که در یک تحلیل نهایی شاید بتوان گفت قانون نظام‌وظیفه در میان ایل بختیاری به‌خوبی و موفقیتِ دیگر مناطق اجرا نشد و در پایان عمر پهلوی اول، نمی‌توان جایگاه مهمی برای تحقق اجرای این قانون در میان بختیاری‌ها متصور شد.

کتابنامه

الف) اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما):

۲۴۲ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

۹۷/۲۹۳/۱۸۳۱۱، ۹۷/۲۹۳/۱۵۶۹۰، ۹۷/۳۳۹/۴۵۸، ۹۷/۳۳۹/۱۹۵۷، ۹۷/۲۹۳/۲۷۰۴۷، ۹۸/۲۹۳/۱۸۴۸۳، ۲۴۰/۱۸۴۸۳، ۲۹۱/۱۲۰۶۷، ۲۴۰/۹۰۰۳۰، ۲۹۱/۷۲۲، ۲۹۱/۲۳۸۹، ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷، ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷، ۳۱۰/۳۲۴۶۹، ۳۱۰/۵۵۰۹۶، ۳۱۰/۳۲۴۵۶، ۳۱۰/۵۴۷۴۶، ۳۱۰/۵۴۶۴۷، ۳۱۰/۱۱۸۸۵۸، ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷، ۲۹۳/۱۲۰۵۰۸، ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸، ۲۹۳/۳۲۶۰۰، ۲۹۳/۳۳۵۷۲، ۲۹۱/۴۰۷، ۲۱۰/۷۹۲۸، ۲۹۳/۱۱۸۸۸۴، ۲۹۱/۲۹۱/۷۴/۱۳۴۱، ۲۹۳/۱۱۸۸۶۲، ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸، ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸، ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸، ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷، ۲۹۳/۸۲۶۴۱، ۲۹۳/۳۳۷۶۰، ۲۹۳/۱۴۱۵۴۸، ۲۹۳/۱۲۰۵۰۸، ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸، ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷، ۲۹۳/۱۱۸۶۱۸، ۲۹۳/۱۱۸۸۵۸، ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷، ۲۹۳/۱۱۹۵۹۴، ۲۹۳/۱۱۸۸۶۲، ۲۹۳/۱۱۹۶۸۷، ۲۹۳/۱۲۰۵۰۸، ۳۱۰/۳۲۳۳۴، ۳۱۰/۲۹۳، ۳۱۹۸۱/۱۲۰۱۹۲

ب) کتاب

- آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۱.
- اتابکی، تورج، ملیت، قومیت و خودمختاری در ایران معاصر، تهران: نشر مروارید، ۱۳۷۳.
- اتابکی، تورج، تجدد آمرانه - دولت و جامعه در عصر رضاشاه، ترجمه مهدی حقیقت، تهران: نشر زمستان، ۱۳۸۵.
- احمدی بختیار، هرمز، «خاطرات شصت سال»، مجله وحید، س ۱۶، ش ۲۱ و ۲۲، ۱۳۵۶.
- انتخابی، نادر، ناسیونالیسم و تجدد؛ در ایران و ترکیه، تهران: نشر نگاره آفتاب، ۱۳۹۰.
- افشار یزدی، محمد، آغاز نامه، تهران: نشر آینده، ۱۳۰۴.
- اکبری، محمدعلی، تبارشناسی هویت جدید ایران: عصر قاجاریه و پهلوی اول، تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
- ایوانف، م.س، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم‌پناه، تهران: نشر اسلوج، ۱۳۵۷.
- بختیاری، خسروخان، «خاطرات سردار ظفر»، مجله وحید، س ۱۶، ش ۲۱، آذر ۱۳۵۷، صص ۴۰-۳۸.
- بختیاری، جعفرقلی خان سرداراسعد سوم، خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۲.
- بهنام، جمشید، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: نشر فرزانه، ۱۳۷۵.

بررسی تحلیلی عملکرد دولت پهلوی در سربازگیری و نظام وظیفه اجباری ایل بختیاری..... ۲۴۳

پوربختیار، غفار، «رضاشاه و طرح اسکان عشایر بختیاری»، فصلنامه ابن مسکویه، س ۲، ش ۸، ۱۳۹۵، صص ۳۴-۵۶.

بیات، کاوه، شورش عشایری فارس (۱۳۰۹-۱۳۰۷)، تهران: نشر نقره، ۱۳۶۵.

راجی، محمد هادی و احمدی، حسین، «مواضع فقها در قبال تصویب و اجرای قانون خدمت نظام اجباری (با تأکید بر مواضع شهید مدرس و حاج آقا نورالله اصفهانی)» (۱۲۹۴-۱۳۲۰ش)، فصلنامه پژوهش نامه حقوق اسلامی، س ۲۱، ش ۲، ۱۳۹۹، صص ۵۳۸-۵۱۷.

رحمانیان، داریوش، ایران بین دو کودتا، تهران: نشر سمت، ۱۳۹۱.

رحیمزاده صفوی، علی اصغر، اسرار سقوط احمدشاه، به کوشش احمد دهگان، تهران: نشر فردوس، ۱۳۶۲.

سید بنکدار، سید مسعود، «برقراری نظام سربازگیری در اصفهان دوره پهلوی اول»، مجله گنجینه اسناد، س ۱۹، ش ۷۵، پاییز ۱۳۸۸، صص ۱۴-۹.

شیخنوری، محمدامیر، «تغییر ساختار ارتش ایران از سنتی به مدرن»، ماهنامه زمانه، ش ۵۲، دی ۱۳۸۵، صص ۳۰-۲۰.

طهاسبی، ساسان و رستمی، محمد، «شورش بختیاری‌ها در سال ۱۳۰۸»، فصلنامه گنجینه اسناد، س ۲۱، ش ۸۲، تابستان ۱۳۹۰، صص ۴۲-۲۷.

عاقلی، باقر، رضاشاه و قشون متحدالشکل، تهران: نشر نامک، ۱۳۹۰.

علیزاده بیرجندی و سمیه حمیدی، تاریخچه سربازگیری در ایران با تکیه بر اسناد و عربضه‌های مردمی در خراسان، تهران: نشر فکر بکر، ۱۳۹۸.

قائم‌مقامی، جهانگیر، تاریخ ژاندارمری ایران از قدیمی‌ترین ایام تا عصر حاضر، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۵.

قائم‌نیک، رضا، «انباشت تاریخی یک مسئله اعتباری»، فصلنامه هابیل، ش ۵، ۱۳۹۰.

کرونین، استفانی، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر جامی، ۱۳۸۳.

کرونین، استفان، ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلام‌رضا علی‌بابایی، تهران: نشر خجسته، ۱۳۷۷.

۲۴۴ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

مجد، محمدقلی، رضاشاه و بریتانیا براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا، ترجمه مصطفی امیری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۴۰۲.

ملک‌زاده، الهام، سربازگیری و خدمت نظام وظیفه اجباری در دوره رضاشاه، تهران: شیرازه، ۱۴۰۲.

نجفی، وحید و سادات بیدگلی، محمود، «تبیین خدمت سربازی روحانیون در دوره پهلوی دوم»، مجله تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، س ۴، ش ۷، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۳۳۶-۳۱۷.

نیازی، محمد و شالچی، وحید، «شکل‌گیری نظام وظیفه در ایران و طرح ملت‌سازی در دوره پهلوی اول»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، س ۵، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۶۹-۴۲.

هدایت، مهدیقلی مخبرالسلطنه، خاطرات و خطرات، تهران: نشر زوار، ۱۳۴۴.

واعظ شهرستانی شهرستانی، نفیسه، سیاست عشایری دولت پهلوی اول، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۸.

(ج) منابع لاتین

Wilcox.V. **Military Service and National in During State Pahlavi(1925-1941)** London, 2011.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست‌ها:

پیوست شماره (۱): اعلامیه اداره نظام وظیفه عمومی در مورد معافیت مشمولین

اعلامیه

اداره نظام وظیفه عمومی در مورد معافیت مشمولین

۱ - مشمولین متولد سالهای ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷ - ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ - ۱۳۱۰
۱۳۱۱ - (باستثناء محصلین) طبق لایحه مصوبه تا روز آخر بهمن ماه سال جاری وقت دارند وجوه مقرر را بپانك ویا شعب ویا نمایندگیهای آن پرداخت نموده ورسید بانك را بخوزه های نظام وظیفه تسلیم وبرگ معافیت دائم از انجام خدمت زیرپرچم اخذ نمایند .

۲ - مشمولین دیلمه ولیسانیه و دكتر متولد ۱۳۰۶ - و ۱۳۰۷ كه قبل از تاریخ ۹ مهرماه سال جاری فارغ التحصیل شده اند (باستثناء پزشك - داروساز دندان پزشك - دامپزشك كه عموماً مورد احتیاج میباشد) میتوانند تا روز اول اسفندماه سال جاری وجوه مقرر را به بانك پرداخته وبسا ارايه رسید بانك برگ معافیت از خدمت زیرپرچم دریافت نمایند .

مشمولین پزشك - داروساز - دندان پزشك - دامپزشك چنانچه در اسرع وقت خود را جهت انجام خدمت معرفی نكنند غائب محسوب و پس از جلب برای انجام خدمت تایینی اعزام ومدت غیبت بخدمت آنان افزوده خواهد شد.

۳ - اشخاصيكه تا اول اسفندماه سال جاری وجه مقرر را بپانك پرداخته ورسید آنرا بعداً بخوزه های نظام وظیفه تسلیم نمایند برگ معافیت را بعداً دریافت خواهد داشت .

۴ - از اول اسفند ماه سال جاری متولدین ۱۳۰۶ الی ۱۳۱۱ كه وجه مقرر را بپانك پرداخته اند غائب محسوب شده وبا تدا بیريكه اتخاذ خواهد شد جلب وبخدمت اعزام ومدت غیبت نیز بمدت خدمت قانونی آنها افزوده خواهد شد.

۵ - از اول اسفندماه سال جاری بمأ مورین مخصوصی دستور داده خواهد شد از كلیه جوانها در محل سكوت وكسب كار خود و در اماكن عمومی (سینماها تآنها - قهوه خانه وغیره) مطالبه شناسنامه بنمایند وكسانی را كه متولد ۱۳۰۶ الی ۱۳۱۱ بوده و دارای برگ معافیت نباشند غائب شناخته شده جلب وبخدمت اعزام دارند .

(ساكما: ۹۷/۲۹۳/۱۸۳۱۱)

